

نقش جهاد با نفس در کربلا

حجت الاسلام جواد محدثی

پیام های عاشورا

برتر و دشوارتر از جهاد با دشمن بیرونی، مبارزه با تمنیات نفس و کنترل هوای نفس و خشم و شهوت و حب دنیا و فدا کردن خواسته های خویش در راه «خواسته خدا» است. این خودساختگی و مجاهده با نفس، زیربنای جهاد با دشمن بیرونی است و بدون آن، این هم بی ثمر یا بی ثواب است؛ چون سر از ریا، عُجب، غرور، ظلم و بی تقوایی در می آورد.

کسی که در «جبهه درونی» و غلبه بر هوای نفس، پیروز باشد، در صحنه های مختلف بیرون نیز پیروز می شود و کسی که تمنیات نفس خویش را لجام گسیخته و بی مهار، برآورده سازد، نفس سرکش انسان را بر زمین می زند و به تعبیر حضرت علی (ع) او را به آتش می افکند (۱).

در صحنه عاشورا، کسانی حضور داشتند که اهل جهاد با نفس بودند و هیچ هوا و هوسی در انگیزه آنان دخیل و شریک نبود. از همین رو، بر جاذبه های مال، مقام، شهوت، عافیت و رفاه، ماندن و زیستن، نوشیدن و کامیاب شدن و ... پیروز شدند. عمرو بن قرظله انصاری، از شهدای کربلا، در جبهه امام حسین (ع) بود و برادرش «علی بن قرظله» در جبهه عمر سعد. (۲) اما خودساختگی او سبب شد که هرگز محبت برادرش، سبب سستی در حمایت از امام نشود و دلیرانه در صف یاران امام، ایستادگی و مبارزه کند.

محمد بن بَشر حَضرمی در سپاه امام بود. فرزندش در مرز «ری» اسیر شده بود. با این که امام به او رخصت داد که کربلا را ترک کند و در پی آزاد کردن فرزند اسیرش برود او که مساله «علاقه به فرزند» را در راه هدفی دینی، حل کرده بود. «حاضر نشد امام را ترک کند» و وفا نشان داد (۳).

نافع بن هلال، شهیدی دیگر از عاشوراییان بود. نامزد داشت و هنوز عروسی نکرده بود. در کربلا هنگامی که می خواست برای نبرد به میدان رود، همسرش دست به دامان او شد و گریست. این صحنه کافی بود که هر جوانی را متزلزل کند، و انگیزه جهاد را از او سلب کند. با آن که امام حسین (ع) نیز از او خواست که شادمانی همسرش را بر میدان رفتن ترجیح دهد، بر این محبت بشری غلبه یافت و گفت: ای پسر پیامبر! اگر امروز تو

را باری نکنم، فردا جواب پیامبر را چه بدهم؟ آنگاه به میدان رفت و جنگید تا شهید شد (۴).

در یکی از شب های عطش در کربلا، نافع بن هلال همراه جمعی برای آوردن آب برای خیمه های امام، به فرات رفتند. نگهبانان فرات گفتند: می توانید خودت آب بخوری ولی حق نداری برای امام، آب ببری. نافع گفت: محال است که حسین و یارانش تشنه باشند و من آب بنوشم (۵)!

در کربلا، عبدالله پسر مسلم بن عقیل، به میدان رفت و جنگید. بنا به نقلی، امام به او فرمود: شهادت پدرت مسلم برای خانواده شما بس است، دست مادرت را بگیر و از این معرکه بیرون روید. گفت: به خدا سوگند، من از آنان نیستم که دنیا را بر آخرت برگزینم (۶).

عباس بن علی علیه السلام روز عاشورا، وقتی تشنه لب وارد شریعه فرات شد، دست به زیر آب برد اما با یاد آوری تشنگی امام و اهل بیت، آب را بر روی آب ریخت و ننوشید و تشنه بیرون آمد (۷).

این نمونه ها هر کدام جلوه ای از پیروزی عاشوراییان را در میدان «جهاد نفس» نشان می دهد. یکی غلقه به فرزند یا همسر را در پای عشق به امام، ذبح می کند، یکی تشنگی خود را در مقابل عطش امام، نادیده می گیرد، دیگری بر زندگی خود پس از امام، خط بطلان می کشد، و یکی هم اجازه نمی دهد که درد و داغ شهادت پدر بر انجام وظیفه و ادای تکلیف، مانعی ایجاد کند.

وقتی بر عباس بن علی و برادرانش، پیشنهاد «امان نامه» می دهند و آنان نمی پذیرند، وقتی امام به یارانش از شهادت در آینده خبر می دهد ولی آنان حاضر به تنها گذاشتن امام نمی شوند، وقتی هانی را در کوفه، تحت فشار قرار می دهند تا مسلم بن عقیل را تحویل دشمن دهد؛ او شهادت را می پذیرد ولی مسلم را تحویل نمی دهد، وقتی امام حسین علیه السلام در عاشورا دست به نبرد نمی زند و مقاومت می کند تا آغازگر جنگ نباشد، (۸) وقتی مسلم بن عقیل در خانه هانی، به خاطر یاد آوردن حدیث پیامبر که از ترور غافلگیرانه و از روی نیرنگ منع می کند، از نهانگاه بیرون نمی آید تا ابن زیاد، خانه هانی را ترک می کند، (۹) وقتی زینب کبری علیه السلام به خاطر دستور برادر، آن همه داغ و مصیبت را تحمل می کند و گریبان چاک نمی دهد، (۱۰) و بسیاری از اینگونه صحنه ها و حادثه ها، همه نشانه «جهاد با نفس» یاران و همراهان امام حسین علیه السلام در نهضت عاشورا است.

درس عاشورا

درس عاشورا این است که کسانی قدم در میدان مبارزه با ستم بگذارند که نیت هایشان خالص باشد، هوای نفس نداشته باشند، میل به قدرت طلبی و شهرت و ریاست خواهی و تعلقات دنیوی و محبت دنیا را در وجود خود از بین برده باشد تا بتوانند در خط مبارزه، ثبات قدم و استقامت داشته باشند، وگرنه، خوف رها کردن مبارزه و هدف و خطر افتادن در دام و دامن نفس اماره باقی است.

امام حسین علیه السلام از ویژگی های پیشوای صالح، این را می داند که پایبند دین حق باشد و خود را وقف خدا و راه او کرده باشد؛ «الدائنُ بدين الحقِّ و الحابِشُ نفسَهُ على ذاتِ الله». (۱۱) امام خمینی رحمته الله علیه می فرماید:

باید خودتان را بسازید تا بتوانید قیام کنید، خود ساختن به این که تبعیت از احکام خدا کنید (۱۲). تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید، نمی توانید «جهاد فی سبیل الله» و دفاع از «حریم الله» نمایید (۱۳).
شهدای عاشورا، همه مجاهدان با نفس بودند. پیامشان به آیندگان نیز همین است.

پی نوشت ها:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶.
۲. موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۴۲.
۳. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۰۱.
۴. موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۴۷.
۵. همان، ص ۳۸۶.
۶. معالی السبطین، ج ۲، ص ۴۰۲.
۷. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۱.
۸. ارشاد، ج ۲، ص ۹۶، (چاپ آل البيت).
۹. وقعة الطف، ص ۱۱۴.
۱۰. همان، ص ۲۰۰.
۱۱. ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۹ (چاپ آل البيت).
۱۲. کلمات قصار، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۶۶.
۱۳. همان، ص ۷۵.